



محسن سیمائی

صداتون رو ندارم

دوستی داشتم که می‌گفت: هر وقت من یا همسرم به فرزندمان توصیه یا نصیحتی می‌کنیم، نمی‌دانیم از کجا یاد گرفته که در جوابمان بگوید: «صداتون رو ندارم»؛ و بی‌توجه به آنچه گفته‌ایم، به کارش ادامه می‌دهد. وقتی از او بیشتر درباره شیوه تربیتی خودش و همسرش پرسیدم، متوجه چند صدایی در خانه‌شان شدم. مادر یک حرفی به فرزند می‌زد و پدر برخلاف آن رفتار می‌کرد. پدر جریمه‌ای برای فرزند در نظر می‌گرفت و مادر آن را زیر پا می‌گذاشت. این داستان همین‌طور در خانه آن‌ها ادامه داشت و مرتباً یکی از همسران قوانینی که دیگری می‌گذاشت را نقض می‌کرد. در حقیقت جمله «صداتون رو ندارم» که هنگام توصیه‌های والدین از زبان آقاپسر خارج می‌شد، چیزی نبود که او جایی در بیرون از خانه یاد گرفته باشد؛ بلکه والدین او مستقیم و غیرمستقیم به او فهمانده بودند که مادر تربیت تو، یک صدا نیستیم و برای همین بهتر است خودت را به نشنیدن بزنی و به حرف‌هایمان توجه نکنی.

مادر: وقتی از مدرسه می‌رسی، لباس‌ت رو پرت نکن این طرف و اون طرف خونه. **پدر:** این جورایم که ظهر از محل کار برگشتم رو میل انداختم، چرانیست؟

پدر: هر وقت تکالیفت رو انجام دادی، می‌ریم مهمونی! **مادر:** زود کتاب و دفترت رو بردار، می‌ریم همون جا درس‌ت رو بخون.

مادر: چون ازت نظرخواهی کردم و پیشنهادی نداشتی، پس همین غذارو که همه داریم می‌خوریم، باید بخوری. **پدر:** بیا این پول رو بگیر، برو واس خودت یه پیتزا بخر گرسنه نمونی.

پدر: مودم خونه چون فردا امتحان داری، امروز روشن نشه. رو درست تمرکز کن. **مادر:** تا بابات نیومده از اینترنت استفاده کن؛ فقط قبل از این که برسه خونه زود خاموشش کن.



بی توجه در کودکی، دغل باز در بزرگسالی

ناهماهنگی همسران در تربیت و اختلاف آن‌ها با یکدیگر، بزرگ‌ترین آسیب را به فرزندان وارد می‌کند. یکی از عواقب ناهماهنگی همسران این است که فرزندان اختلاف بین پدر و مادر را زودتر از هر چیز کشف می‌کنند. سپس درمی‌یابند چه رفتاری از سوی خودشان موجب اختلاف بین والدین می‌شود و پدر و مادر در دو جبهه، مقابل هم صف‌آرایی کرده و مشغول بحث و نزاع می‌شوند. در این شرایط می‌آموزند، اگر می‌خواهند چیزی را به دست بیاورند، بهتر است والدین با هم اختلاف داشته باشند و در یک جبهه نباشند. خود فرزند نیز در این درگیری دو طرفه، از کسی حمایت می‌کند که خواست او را طلب می‌کند. این یک روش ویژه برای برآورده کردن خواسته‌هاست که فرزندان در حین چندصدایی و اختلاف متعدد والدین می‌آموزند. در حقیقت خود والدین این راه را جلوی پای ایشان می‌گذارند. نکته فاجعه‌بارتر نیز اینجاست که این دسته از فرزندان احتمالاً در بزرگسالی نیز مطابق عادت کودکی سعی می‌کنند در اجتماعات مختلفی که حضور می‌یابند، با همین روش به خواسته‌هایشان برسند.

خارج از کنترل

از جمله عواقب ناهماهنگی همسران در تربیت فرزند، خارج شدن فرزندان از کنترل ایشان است؛ چراکه فرزند با خودش می‌گوید:

– اگر پدرم می‌تواند با مادر مخالفت کند و هرچه دلش می‌خواهد به او بگوید، چرا من این کار را انجام ندهم؟

– اگر مادرم می‌تواند بدون اعتناء به حرف‌های پدر آنچه دوست دارد را انجام بدهد و برایم فراهم کند، چرا من بی‌اعتنایی نکنم؟

نابودی یک الگو

قوی‌ترین تصویر ذهنی و الگویی که فرزندان دارند، تصویر والدین آنان است. نگاه فرزندان به شخصیت و رفتاری که از والدین به عنوان افراد دوست‌داشتنی، پرتلاش، امیدوار، موفق و... در ذهن دارند، آجر به آجر شخصیت آن‌ها را می‌سازد. از همه مهم‌تر این‌که فرزندان نیمی از ژن و روان خود را از مادر و نیم دیگر را از پدر می‌گیرند. پس هرگز همسران نباید در حضور ایشان اختلافات خود را عیان کنند، تصمیمات یکدیگر را نقض کنند، در غیاب همسر خود نزد فرزندان او را تخریب کنند و در نهایت آنچه خود برای فرزندان می‌پسندند را در زندگی بدون مشورت‌های همسرانه اعمال کنند.

چه کنیم؟

اختلاف‌های دیگر را به تربیت سرایت

ندهد؛

گاهی همسران، ناراحتی‌ها و عصبانیت‌هایی که بر سر موضوعات دیگر از هم دارند را در بحث تربیت فرزند دخالت می‌دهند؛ در حالی که باید مسائل و مشکلات زندگی را از هم تفکیک کرد و هرکدام را به دیگری سرایت نداد. البته این کار به راحتی امکان‌پذیر نیست. بهترین انتخاب این است که زوجین، خشمی را که از موضوعات دیگر باقی مانده و متعاقب آن رقابت‌جویی در تربیت فرزند را ایجاد کرده، درمان کنند و با گذشت، گفت‌وگو و... نگذارند اثری از آن باقی بماند.

سهم بیشتری برای خود قائل نباشید؛

هرچند که در مقام عمل و واقعیت ممکن است یکی از زوجین نقش پررنگ‌تری در تربیت فرزند بر عهده داشته باشد؛ مثلاً مادر به خاطر خانه‌دار بودن بیشتر نزد فرزند حاضر باشد؛ اما این موضوع نباید سبب شود که یکی از زوجین سهم بیشتری از شکست یا موفقیت او برای خود قائل باشد و انتظار داشته باشد، آنچه او می‌گوید

بی‌کم‌وکاست در تربیت فرزند عملیاتی شود. زوجین، سهم مشترکی از فرزندان دارند و شکست یا موفقیت فرزندان به طور مساوی به پای هر دوی آن‌ها نوشته می‌شود. پس لازم است هرکدام به سهم خود آگاه باشند و با همراهی یکدیگر امور تربیتی خانه را پیش ببرند.

تنهایی ممکن نیست؛ کمک بگیرید؛

مسائل تربیتی فرزندان کار آسانی نیست که بدون کمک گرفتن، زوجین به تنهایی از پس آن بر بیایند. یکی از مهم‌ترین راه‌حل‌ها برای برطرف ساختن اختلافات و تعارضات زناشویی در تربیت فرزند، استفاده از تجربیات دیگران در این زمینه است؛ بنابراین توصیه می‌شود:

۱. بدون آن‌که اسرار زندگی‌تان را بخواهید فاش کنید و برای خانواده خود در دسر ایجاد نمایید، درباره مسائل تربیتی فرزندان از تجربیات دیگر والدین بی‌سید و استفاده کنید. به هر حال هرکدام از پدر و مادرها در طول سالیان زندگی، تجربیات منحصر به فرد و جالبی را به دست می‌آورند که می‌توان از آن‌ها به خوبی بهره‌مند شد.

۲. کتاب‌های مفیدی در زمینه تربیت فرزند منتشر شده است که می‌تواند به شما در این زمینه یاری بدهد. به همراه همسر خود کتاب را مطالعه کنید و برای استخراج و اجرای نکات مهم آن‌ها وقت بگذارید.

۳. از ظرفیت فضای مجازی برای عضویت در کانال‌های معتبر تربیت فرزند استفاده کنید و نکات کاربردی و مقالات مهم در این زمینه را دریافت کنید.

۴. هر زمان که در تربیت فرزند و حل اختلاف‌نظرها با همسرتان سردرگم شدید، با شخص سومی که در این مسائل اطلاعات کافی دارد، مشورت کنید. استفاده از مشاورین امین و کاربلد مدرسه فرزندان یا دیگر مشاورین و متخصصین در مراکز مشاوره، می‌تواند به شما کمک قابل توجهی کند.